

Weekly English Recap: Time, Risk & Better Choices — 38 Shadowing Pairs

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

105 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Welcome back to Your English Toolbox.

به Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Peter, and this is your weekly English recap.

من پیتر هستم و این مرور هفتگی انگلیسی شماست.

Today we will practise thirty-eight pairs of sentences from episodes one hundred and seventy-five to one hundred and eighty-one.

امروز سی و هشت جفت جمله از قسمت‌های ۱۷۵ تا ۱۸۱ را تمرین می‌کنیم.

We will revisit time, risk, online language, choices and everyday responsibility.

ما دوباره به زمان، ریسک، زبان آنلاین، انتخاب‌ها و مسئولیت‌های روزانه نگاه می‌کنیم.

First, listen to a sentence with a useful expression.

ابتدا به جمله‌ای با یک عبارت کاربردی گوش دهید.

Then you will have four seconds to repeat it aloud.

سپس چهار ثانیه فرصت دارید آن را با صدای بلند تکرار کنید.

After those four seconds, I will express the same idea in different words.

بعد از آن چهار ثانیه، من همان ایده را با کلمات مختلف بیان خواهم کرد.

Listen for the meaning and notice which words changed.

به معنی جمله گوش دهید و ببینید کدام واژه‌ها تغییر کرده‌اند.

You will have a short pause after the second sentence too.

بعد از جمله دوم هم مکث کوتاهی خواهید داشت.

Use that pause to try the alternative phrasing yourself.

از آن مکث استفاده کنید تا بیان جایگزین را خودتان امتحان کنید.

Keep your voice relaxed and take the full four seconds.

آرام صحبت کنید و از هر چهار ثانیه استفاده کنید.



Let us begin with time and the changing clocks.

بیایید با زمان و تغییر ساعت‌ها شروع کنیم.

We put the clocks back on Sunday, so the morning will feel lighter.

یکشنبه ساعت‌ها را عقب می‌کشیم، پس صبح روشن‌تر به نظر می‌رسد.

On Sunday we move the clocks one hour earlier, and sunrise will seem earlier.

در روز یکشنبه ساعت‌ها را یک ساعت زودتر می‌چرخانیم و طلوع خورشید زودتر به نظر خواهد رسید.

When we put the clocks forward, I need a day to adjust.

وقتی ساعت‌ها رو جلو می‌بریم، من یه روز وقت لازم دارم تا باهاش سازگار بشم.

When we move the clocks one hour later, I need some time to adapt.

وقتی ساعت‌ها را یک ساعت جلو می‌بریم، کمی زمان نیاز دارم تا عادت کنم.

The autumn clock change gives me an extra hour in bed.

تغییر ساعت در پاییز به من یه ساعت بیشتر خواب میده

The autumn change lets me sleep for one additional hour.

تغییر پاییز به من اجازه میده که یه ساعت بیشتر بخوابم

My body clock does not change as quickly as the clock on the wall.

ساعت بدن من به سرعت ساعتی که روی دیواره تغییر نمی‌کنه

My natural sleep rhythm takes longer to adjust than the clock.

ریتم طبیعی خواب من بیشتر از ساعت طول میکشه تا باهاش سازگار بشه

It takes me a few days to adjust to the new morning light.

چند روز طول میکشه تا به نور جدید صبح عادت کنم

I need several days to get used to the different morning light.

چند روز طول میکشه تا به نور متفاوت صبح عادت کنم

Now we move from time to risk and brave decisions.

حالا از زمان به ریسک و تصمیمات شجاعانه می‌رویم.

If you ignore every warning, you are playing with fire.

اگر همه هشدارها را نادیده بگیرید، با آتش بازی می‌کنید.

If you ignore all the warnings, you are taking a dangerous risk.

اگر همه هشدارها را نادیده بگیرید، خطر بزرگی می‌کنید.

Do not put all your eggs in one basket when you apply for jobs.

وقتی برای شغلی ثبت نام می‌کنید، همه تخم مرغ‌ها را در یک سبد نگذارید.



Do not depend on a single job application for your whole plan.

به یک درخواست شغلی برای تمام برنامه ات وابسته نباش.

Maya stuck her neck out and defended a new colleague.

مایا برای دفاع از همکار جدیدش خطر کرد.

Maya took a personal risk by speaking up for a new colleague.

مایا با دفاع از همکار جدیدش خطر شخصی را پذیرفت.

We took a leap of faith and opened the small bookshop.

با وجود نامعلوم بودن نتیجه، تصمیم گرفتیم کتابفروشی کوچک را باز کنیم.

We made the brave choice to open the bookshop without knowing how it would go.

ما انتخاب شجاعانه ای کردیم که کتابفروشی رو باز کنیم بدون اینکه بدونیم چطور پیش میره

Changing course was a calculated risk, not a sudden impulse.

تغییر مسیر یک خطر حساب شده بود، نه تصمیمی ناگهانی.

Changing course involved a risk that we had considered carefully.

تغییر مسیر ریسکی بود که با دقت در نظر گرفته شده بود.

Let us practise for, since, and questions about duration.

بیایید «for» و «since» و پرسش‌های مربوط به مدت زمان را تمرین کنیم.

I have lived here since twenty twenty-three.

من از سال ۲۰۲۳ اینجا زندگی می‌کنم.

I moved here in twenty twenty-three, and I still live here.

من در سال ۲۰۲۳ به اینجا آمدم و هنوز اینجا زندگی می‌کنم.

I have worked with Lina for three years.

من سه سال است که با لینا کار می‌کنم.

I started working with Lina three years ago, and we still work together.

من با لینا سه سال پیش شروع به کار کردم و هنوز هم باهم کار میکنیم

How long have you known your neighbour?

چند وقته همسایه ات رو میشناسی؟

When did you first meet your neighbour, and are you still in touch?

چه زمانی نخستین بار با همسایه‌تان آشنا شدید و آیا هنوز با هم در تماس هستید؟

She has studied English since January.

او از ژانویه زبان انگلیسی می‌خواند.



She began studying English in January and continues today.

او از ژانویه شروع به یادگیری انگلیسی کرد و هنوز هم ادامه می‌دهد.

They have been friends for a long time.

آن‌ها مدت زیادی است که با هم دوست هستند.

Their friendship began long ago and continues now.

این رابطه از مدت‌ها پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

Next, we will look at the language of provocative posts online.

سپس به زبان پست‌های تحریک‌آمیز آنلاین نگاه خواهیم کرد.

That post is rage bait, so I am not going to share it.

آن پست «rage bait» است، پس آن را به اشتراک نمی‌گذارم.

That post is designed to make people angry, so I will not pass it on.

آن پست برای عصبانی کردن مردم طراحی شده است، پس آن را بازنشر نمی‌کنم.

The headline was clickbait and promised more than the article gave.

عنوان مطلب «clickbait» بود و بیش از آنچه خود مقاله ارائه می‌کرد وعده می‌داد.

The headline tried to attract clicks with a promise the article did not fulfil.

سرخط تلاش کرد تا با وعده ای که مقاله به آن عمل نکرد، کلیک‌ها را جلب کند.

His hot take started an argument in the comments.

اظهارنظر جنجالی او، یا «hot take»، در بخش دیدگاه‌ها بحثی به راه انداخت.

His deliberately bold opinion started a debate in the comments.

نظر عمداً جسورانه او در بخش دیدگاه‌ها بحثی را آغاز کرد.

I almost reacted before I read the whole story.

من تقریباً قبل از اینکه کل داستان رو بخونم واکنش نشون دادم

I nearly responded without first reading all the information.

من تقریباً بدون اینکه همه اطلاعات رو بخونم جواب دادم

Check the context before you repeat that dramatic claim.

پیش از تکرار آن ادعای جنجالی، زمینه و واقعیت‌های مربوط را بررسی کنید.

Look at the surrounding facts before you pass on that striking claim.

پیش از بازگو کردن آن ادعای چشمگیر، واقعیت‌های پیرامونش را بررسی کنید.

Our next expressions come from a story about desire and difficult choices.

بیانات بعدی ما از داستانی درباره آرزوها و انتخاب‌های دشوار می‌آید.



She was content with a modest home near her friends.

او با یک خانه کوچک در نزدیکی دوستانش راضی بود.

She was satisfied with a simple home close to her friends.

او با یک خانه ساده در نزدیکی دوستانش راضی بود.

They set off at dawn to cross the fields before noon.

آنها در طلوع آفتاب حرکت کردند تا قبل از ظهر از مزارع عبور کنند.

They began their journey when the sun first rose.

آنها سفرشان را با طلوع خورشید آغاز کردند.

We ran out of time before we reached the last question.

قبل از اینکه به سوال آخر برسیم وقتمون تموم شد

There was no time left when we got to the final question.

زمانی که به سوال آخر رسیدیم دیگه وقت باقی نمانده بود

The small garden belongs to the family next door.

این باغ کوچک متعلق به خانواده مجاور است.

The family next door owns the small garden.

خانواده همسایه صاحب باغ کوچیک هستند.

We made a detour to avoid the roadworks.

برای دور زدن عملیات راه سازی، مسیرمان را عوض کردیم.

We took a longer route around the roadworks.

برای دور زدن عملیات راه سازی، مسیر طولانی تری را انتخاب کردیم.

I was out of breath after running up the stairs.

بعد از اینکه از پله ها بالا اومدم نفسم گرفته بود

I was breathing hard after I ran up the stairs.

بعد از اینکه از پله ها بالا اومدم به سختی نفس می کشیدم

Despite the rain, the walkers pressed on.

با وجود باران، پیاده گردا به راه خود ادامه دادند.

Although it was raining, the walkers continued.

با اینکه باران می بارید، آنها به پیاده روی ادامه دادند.

He wanted more land, but he did not know when to stop.

او می خواست زمین بیشتری داشته باشد، اما نمی دانست که چه زمانی باید توقف کند.



He kept seeking more land, even when he had enough.

او به دنبال زمین بیشتر بود، حتی وقتی که به اندازه کافی داشت.

Now let us practise taking responsibility and making things right.

حالا بیاین مسئولیت پذیری و درست کردن کارها رو تمرین کنیم

That was my fault; I sent the old version of the file.

تقصیر من بود که نسخه قدیمی پرونده رو فرستادم

I made the mistake and sent an earlier version of the file.

من اشتباه کردم و نسخه قبلی از پرونده رو فرستادم

I should have checked the address before I sent the parcel.

باید قبل از اینکه بسته رو بفرستم آدرس رو چک میکردم

I made a mistake by failing to verify the address first.

من اشتباه کردم که اول آدرس رو تایید نکردم

I booked the wrong table, so let me put it right.

من میز اشتباهی رو رزرو کردم پس بذار درستش کنم

I made the booking mistake, so I will correct it.

من اشتباهی در رزرو کردم پس درستش میکنم

I take full responsibility for the missed deadline.

من تمام مسئولیت رو بر عهده میگیرم که این مهلت رو از دست دادم

I accept that the missed deadline was my responsibility.

من قبول میکنم که از دست دادن مهلت مسئولیت منه

Thanks for flagging it; I had not noticed the missing page.

ممنون که به آن اشاره کردید، من متوجه نبودم که یک صفحه کم است.

Thank you for pointing it out; the missing page escaped my attention.

ممنون که آن را گوشزد کردید، متوجه نشده بودم که یک صفحه کم است.

Finally, listen for the language of changing prices and quantities.

در نهایت، به زبان تغییر قیمت‌ها و کمیت‌ها گوش دهید.

The packet looks the same, but it is smaller; that may be shrinkflation.

بسته ظاهراً همان است، اما کوچکتر شده و شاید این نمونه‌ای از «shrinkflation» باشد.

The packet may contain less product while keeping a similar price.

بسته ممکن است محصول کمتری داشته باشد در حالی که قیمت مشابهی را حفظ می‌کند.



The company downsized the chocolate bar but kept the old wrapper.

شرکت شکلات را کوچک کرد اما بسته‌بندی قدیمی را نگه داشت.

The company made the chocolate bar smaller and kept its previous wrapper.

این شرکت شکلات را کوچکتر کرد و بسته‌بندی قبلی خود را نگه داشت.

With this smaller box, you get less for your money.

با این جعبه کوچکتر، در برابر پولی که می‌دهید محصول کمتری می‌گیرید.

This smaller box gives you a smaller quantity for the same spending.

این جعبه کوچکتر به شما مقدار کمتری برای همان هزینه می‌دهد.

I compared the weights before choosing between the two packets.

قبل از انتخاب بین این دو بسته وزن‌ها را مقایسه کردم.

I looked at how much each packet contained before choosing.

قبل از اینکه انتخاب کنم نگاه کردم که هر بسته چقدر دارد.

It is the same price, but there is less product inside.

قیمتش همون است اما محصول کمتری توی اون هست.

The cost has stayed the same while the quantity has gone down.

قیمت ثابت مانده، اما مقدار محصول کاهش یافته است.

You have practised thirty-eight pairs from all seven episodes.

تو 38 جفت از هر هفت قسمت رو تمرین کردی.

Choose one expression about time, one about choices and one about responsibility.

یک عبارت در مورد زمان انتخاب کنید، یکی در مورد انتخاب و دیگری در مورد مسئولیت.

Make a true sentence about your own life with each of them.

با هر کدام از اونا یک جمله درست در مورد زندگی خودت بگو.

If you want a second round, listen again and say the alternative before I do.

اگر دور دوم رو میخوای، دوباره گوش کن و قبل از من جواب دیگه رو بگو.

Remember the difference between since and for.

تفاوت «since» و «for» را به یاد داشته باشید.

Since points to a starting moment; for describes the length of time.

«since» به زمان شروع اشاره می‌کند و «for» مدت‌زمان را نشان می‌دهد.

A hot take is a bold opinion, while rage bait is designed to provoke anger.

«hot take» نظری جسورانه است، در حالی که «rage bait» برای برانگیختن خشم طراحی می‌شود.



And taking responsibility becomes stronger when you say how you will put a mistake right.

.....

و مسئولیت پذیری وقتی قوی تر میشه که بگی چطور یه اشتباه رو درست میکنی

The full pairs, transcript and practice are on Your English Toolbox.

.....

همه جمله‌های جفتی، متن کامل و تمرین‌ها در Your English Toolbox در دسترس‌اند.

Thank you for practising with me.

.....

ممنون که با من تمرین کردی

This is Peter, and I will see you next time.

.....

من پیتر هستم و دفعه بعد میبینمت

